

وجهه بین المللی ایران و انتخابات اخیر ریاست جمهوری

● از: دکتر مسعود اسلامی - دانشگاه فلچر - ماساچوست

در روابط اجتماعی و سیاسی بیش از آنکه بر «واقعیات آن گونه که هست» مبتنی باشد، بر «واقعیات آن گونه که دیده می شود» متکی است. استفاده از «وجهه» برای تأثیر گذاشتن بر رفتار دیگران متکی بر انسجام و همگونی در گفتار و رفتار است؛ زیرا تنها در این صورت است که طرف های رابطه خواهند توانست رفتار یکدیگر را پیش بینی کنند و انتظارات خود را از یکدیگر شکل دهند. مادام که هر طرف برداشت قابل اتکایی از دیدگاهها، تواناییها و مقاصد طرف دیگر نداشته باشد، سایه تردید و بی ثباتی و بی اعتمادی بر روابط آنها حاکم خواهد بود. در نبود فضای شفاف برای ارتباط، «بازیگران به درون گرای تمایل خواهند یافت و بیش از آن که بر رفتار یکدیگر تکیه کنند بر تصویری که پیشاپیش از آن دارند، متکی خواهند بود.»^۱

هر يك از طرفین یا اطراف رابطه اجتماعی یا سیاسی برای کسب «وجهه مطلوب» ناگزیر بایستی کوشش کند که برداشت دیگران را از موقعیت و رفتار خود بیازماید و در صورت لزوم برای تغییر آن اقدام نماید. برای انجام چنین آزمونی بایستی به فرآیند ایجاد و القاء وجهه بمثابه يك چرخه ارتباط نگریست که فرستنده پیام، گیرنده پیام، مجرای ارتباط و خود پیام چهار عنصر اصلی آن را تشکیل می دهند. فرستنده گیرنده پیام ممکن است دو یا چند شخص یا گروه باشند. در عرصه روابط بین الملل فرستندگان و گیرندگان پیام، حکومتها و دولتها هستند. مجاری ارتباط بین دولتها می تواند رسمی، غیر رسمی، مخفی یا علنی، مستقیم یا با واسطه باشد و مضمون پیامها و بستر تبادل آنها غالباً سیاسی است. چنین تحلیلی به ما می آموزد که به فرآیند شکل گیری وجهه به صورت يك روند پویا و متأثر از محیط بنگریم و در جهت بهینه سازی کارکرد و کاربرد آن مترصد فرصتها و زمینه های مناسب و شیوه ها و ابزارهای مؤثر باشیم.

مفهوم، کارکرد و کاربرد وجهه بین المللی در این مقاله به طور عمده ناظر به بُعد سیاسی و کلان آن است. از این رو ابعاد اقتصادی، نظامی و فرهنگی آن به عنوان زیرمجموعه های بُعد سیاسی تلقی شده است. این

مشارکت بی سابقه مردم ایران در هفتمین انتخابات ریاست جمهوری، نقطه عطفی در تاریخ معاصر کشور ما بود. نتیجه قاطع و پر معنای این انتخابات فصل جدیدی در حیات سیاسی و اجتماعی مردم ما گشود و می رود تا آثار عمیق خود را در عرصه های گوناگون ملی و بین المللی نشان دهد. این مقاله درصدد است به یکی از مهمترین دستاوردهای انتخابات اخیر در عرصه بین المللی بپردازد و تأثیرات آن را بر «وجهه بین المللی» جمهوری اسلامی ایران به بحث گذارد.

مقاله با يك بحث نظری و تحلیلی پیرامون مفهوم، کارکرد و کاربرد «وجهه بین المللی» آغاز می شود و مؤلفه های آن را تشریح می نماید. سپس نتایج بحث نظری بر نتایج انتخابات اخیر ریاست جمهوری ایران تطبیق داده می شود. در این قسمت موضوعات مهمی که در شکل گیری وجهه کنونی ایران در صحنه بین المللی مؤثر بوده مورد توجه قرار می گیرد و راهبردهایی برای بهره برداری از وضعیت پس از انتخابات مطرح می گردد.

۱. کندوکاو نظری در مفهوم، کارکرد و کاربرد وجهه بین المللی

یکی از عوامل مهم و تعیین کننده در روابط اجتماعی، «وجهه» طرفین رابطه نزد یکدیگر است. مفهوم «وجهه» ناظر به درك و برداشت هر يك از عناصر حلقه ارتباط از هویت، باورها، منش و رفتارهای دیگران می باشد. در هر رابطه اجتماعی و سیاسی، هر يك از طرفین ناگزیر بایستی به نوعی دیدگاهها، باورها، تواناییها، انتظارات و اهداف خود را برای دیگری آشکار سازد. این روند معرفی و آشکار سازی، از منظر سیاسی به منظور تأثیر گذاردن و جهت دادن به رفتار دیگران و به عبارت دیگر کنترل واکنش آنان صورت می گیرد.

اقدام به شناساندن و نمایاندن مقاصد خود به دیگران از تلاش در جهت تأثیر گذاری بر نحوه بینش آنان آغاز می گردد زیرا کنش و واکنش

کارکرد و کاربرد «وجهه» در روابط اجتماعی و سیاسی نیز دقیقاً از همین نکته ناشی می‌شود. زیرا هر يك از طرفین رابطه می‌تواند از شکاف موجود بین «واقعیات موجود» و «واقعیات مزعوم» بهره جوید و درصدد برآید در جهت القای وجهه مطلوب خود، واقعیات را آن گونه که می‌خواهد به نمایش بگذارد. این ملاحظه در روابط بین دولتها نیز همانند روابط سیاسی بین افراد و گروهها مطرح است. شکاف و فاصله بین «چهره واقعی» و «چهره مزعوم» تشخیص پیامهای صادق از کاذب را بویژه در روابط سیاسی دشوار می‌سازد؛ چه بسا يك دولت با نشان دادن چهره‌ای موجه از خود در صدد فریب و اغوای دیگران برآید و چه بسا دولتی در اثبات مدعای حقیقی و اظهار صادقانه مقاصد و اهدافش با معضل بی‌اعتمادی و سوءظن دیگران مواجه گردد. دشمنان و بدخواهان يك نظام نیز در قدم نخست تخریب وجهه آن را هدف دسیسه‌ها و توطئه‌های خود قرار می‌دهند و می‌کوشند با ارائه تصویری مشوه از ماهیت و اهداف و عملکرد نظام، مانع از دستیابی دولتمردان آن به اهداف خود شوند. از این رو دولتی که درصدد ایجاد یا تصحیح وجهه خود نزد دیگران است، می‌بایست برآوردی از برداشت و تفسیر دیگران از رفتار و مواضع خود داشته باشد تا بتواند در راستای نیل به اهداف خود از آن بهره‌برداری کند.

حال که حصول اطمینان از صدق و کذب پیام به دست آمده از رفتار و گفتار و موضعگیریهای يك دولت همواره دشوار است، پس دولتها چگونه می‌توانند در روابط با یکدیگر بر برداشتی که از هم دارند تکیه کنند و تعامل خود را بر آن مبتنی سازند؟ يك راه این است که به کلی «گفته‌ها» را نادیده انگارند و برای اظهارات و اعلانات دیگران بهایی قائل نباشند بلکه برداشت خود را بر رفتار و «کرده‌ها»ی طرف دیگر بنا سازند. توماس شلینگ، نظریه پرداز برجسته روابط بین الملل و مطالعات استراتژیک، در مقام تأیید و توصیه این روش معتقد است: «کلمات ارزان و کم بهاست و هنگامی که از زبان يك دشمن ادا شود به خودی خود قابل اعتماد نیست... اما اقدامات مهم معمولاً با میزانی از هزینه و خطر همراه است و گواهی از قابلیت اعتماد را با خود دارد.»^۲ ولی نظریه اخیر بر این فرض استوار است که عملکرد و رفتار لزوماً شفافتر و واقع‌نماتر از گفتار و بیان است. حال آنکه از دیدگاه تحلیلی، چنین ملازمه‌ای محرز نیست. چه بسا رفتار و عملکردی که برای فریب طرف دیگر صورت گیرد و چه بسا اعمال ناموجهی که با شرارت و توطئه دیگران، ناروا به طرف دیگر نسبت داده شود. تکیه یکجانبه بر عملکردها و بی‌اعتنایی به گفته‌ها در مواقعی حتی می‌تواند گمراه کننده باشد زیرا هر قدر به عملکردها بهای بیشتری داده شود، به همان اندازه احتمال فریبکاری در آن افزایش می‌یابد. به بیان دیگر، تشخیص و احراز صحت و سقم عملکردها و گفتارها به يك اندازه دشوار است. از سوی دیگر، چنین نیست که سخنان و اظهارات دولتمردان همیشه کم بها یا فریبنده باشد بلکه تبعات و آثار آنها می‌تواند برای يك دولت بسیار گران تمام شود.

براین مبنا رابرت جرویس، نظریه پرداز معروف روابط بین الملل،

○ دولتها می‌توانند با تکیه بر وجهه مثبتی که از خود نزد دولتهای دیگر ایجاد کرده‌اند، در بسیاری موارد بدون ایجاد تغییرات جدی و پرهزینه در سیاستهای خود، به اهدافی که دارند نیل شوند. در مقابل، وجهه منفی و نامقبول ممکن است هزینه معمول و متعارف برای دستیابی به يك هدف را بسیار سنگین نماید و احياناً به بحران و تنگناهای سیاسی منجر گردد.

○ نقش و تأثیر وجهه بین المللی هر حکومت و دولت در روابطش با دیگران، نه فقط از نقش و تأثیر دیگر توانمندیهای سیاسی، اقتصادی و نظامی کمتر نیست، بلکه شرط لازم برای توفیق در کاربرد توانمندیهای مختلف در جهت تحقق اهداف سیاسی و غیرسیاسی، همانا حسن شهرت و وجهه مثبت بین المللی دولت است. غفلت از این نکته، ناشی از عدم بلوغ و ضعف بینش سیاسی است.

بدان معناست که در تحلیل کارکرد و کاربرد وجهه بین المللی، هر يك از ابعاد مزبور نقش و جایگاه ویژه خود را دارد ولی در این مقاله به آن تنها از حیث نقشی که در حاصل کار نظام سیاسی ایفا می‌کند نگریسته می‌شود. کارآیی «وجهه» در روابط سیاسی به تأثیر آن در افزایش یا کاهش میزان هزینه‌های لازم سیاسی، اقتصادی، نظامی برای نیل به اهداف مورد نظر مربوط می‌شود. دولتها می‌توانند با تکیه بر وجهه مثبتی که از خود نزد دولتهای دیگر ایجاد کرده‌اند، در بسیاری مواقع بدون ایجاد تغییرات جدی و پرهزینه در سیاستهای اجرایی خود، به اهدافی که دارند نیل شوند؛ همچنان که داشتن يك وجهه منفی و نامقبول نزد دیگران ممکن است هزینه معمول و متعارف برای نیل به يك هدف مشخص را بسیار سنگین سازد و احياناً به بحران و تنگناهای سیاسی منجر گردد. برای نمونه، چنانکه يك دولت در عرصه بین المللی چهره صلح طلب و مدافع آزادی و حقوق بشر کسب کند و دیگران را قانع سازد که به طور پیوسته به این اصول پایبند مانده است، در مواقعی می‌تواند از این وجهه برای دخالت و تأثیرگذاری بر مسائل داخلی دیگر کشورها بهره‌برداری نماید یا از دخالت دیگران جلوگیری کند. در مقابل، چنانچه تصویر توسعه طلبی و جنگجویی با نام يك دولت قرین شود، زدودن آثار منفی آن برای حکومت و مردم آن کشور کاری بس دشوار و گران خواهد بود.

چهره‌ای که در اثر مبادله پیامها در ذهن هر يك از طرف‌های چرخه ارتباط ایجاد می‌شود لزوماً با واقعیات انطباق ندارد. به بیان دیگر، برداشت هر يك از طرفین از دیگری ممکن است با درجه‌ای از نادرستی یا فریب همراه باشد یا در اثر اشتباه در ارزیابی، اغراق یا کم‌انگاری، با واقعیت تطبیق نداشته باشد. اهمیت و حساسیت بررسی و شناخت

سیاسی و غیرسیاسی، همانا حسن شهرت و وجهه مثبت بین المللی آن است. غفلت از این امر ناشی از عدم بلوغ در زمینه بینش سیاسی است. تلاش در جهت القای وجهه مطلوب از خود، نخستین گام برای ترسیم استراتژی ملی هر دولت است. شیوه‌هایی که هر دولت برای پیشبرد اهداف خود در عرصه بین المللی به کار می‌برد، آگاهانه یا ناخودآگاه متأثر از برداشت ذهنی تصمیم‌گیرندگان از خود و از دیگران می‌باشد. صرف هزینه‌های کلان توسط دولت‌ها برای حفظ وجهه و پرستیژ خود با انجام امور نمادین، توجیهی جز این ندارد که حفظ وجهه بین المللی در مواقعی از نیل به هدف مورد نظر مهمتر و با ارزشتر است. از سوی دیگر، آثار تخریبی خدشه‌دار شدن وجهه یک دولت می‌تواند تا آنجا پیش رود که ابزارهای سیاسی و اقتصادی و نظامی را در تحقق اهداف به ناکامی کشاند.

دوم آنکه در ارزیابی کارکرد و کاربرد وجهه در عرصه بین المللی نباید دچار اغراق شد و محدودیتهای آن را نادیده گرفت. رهیافت انگاره‌ها تنها یکی از رهیافتهای مفید در تحلیل مسائل بین المللی است که در عین روشنگری و هشداردهی، در مواقعی نیز می‌تواند ناکارآمد و حتی گمراه کننده باشد. به بیان دیگر، وجهه بین المللی هر دولت یک متغیر وابسته و تابعی از عوامل متعدد و متنوع دیگر در محیط داخلی و فضای پیرامونی آن است. چنان که جرویس خاطر نشان می‌سازد: «بسیاری از عواملی که به طور جدی در ترسیم وجهه دخالت دارد دائمی یا شبه دائمی است و لذا در ورای کنترل تصمیم‌گیرندگان آن قرار می‌گیرد. جغرافیا و تاریخ یک کشور و تا حد زیادی نظام سیاسی، اقتصادی، و اجتماعی آن قابل تغییر نیست.»^۱ از این گذشته، بهایی که دولتمردان هر کشور به وجهه بین المللی خود می‌دهند و خطراتی که برای حفظ آن برمی‌تابند، در همه جا و در همه مواقع یکسان نیست. ارزشهای زیربنایی، اولویت‌های سیاسی، و ابزارها و توان موجود نزد تصمیم‌گیرندگان در هر دولت بر ارزیابی آنها از کارکرد و کاربرد وجهه بین المللی تأثیر دارد. چنانچه وجهه بین المللی یک نظام با وجهه فردی رهبران آن گره خورده باشد، ملاحظات و منافع فردی رهبران نیز می‌تواند در کارکرد وجهه بین المللی آن دولت مؤثر افتد.

۲. مؤلفه‌های وجهه بین المللی

شناخت و برداشتی که از یک حکومت یا دولت در صحنه بین المللی شکل می‌گیرد، برآیند سه مؤلفه اصلی است: تواناییهای بالقوه و بالفعل؛ ساختار و ویژگیهای نظام سیاسی؛ و دیدگاهها و شیوه‌های بیان اهداف.

الف) تواناییهای بالقوه و بالفعل

اساسی‌ترین مؤلفه وجهه بین المللی هر کشور، مجموعه تواناییها و ظرفیتهای آن است. ثروت ملی، موقعیت جغرافیایی، قدرت نظامی،

تئوری خود را در خصوص «منطق انگاره‌ها در روابط بین الملل» بر این فرض مبتنی ساخته است که «در تقسیم‌بندی رفتارهای بین المللی به جای بحث از تمایز گفته‌ها و کرده‌ها بایستی از دو مفهوم علامتها (Signals) و شاخصها (Indices) بهره جست.»^۲ از دیدگاه وی «علامتها» عبارت است از: «اظهارات یا عملکردهایی که مفهوم آنها بر پایه تفاهم ضمنی یا آشکار در میان بازیگران تعیین می‌شود.»^۳ اظهارات سخنگویان و مقامات بلندپایه دولتی، ارسال پیامها و یادداشت‌های دیپلماتیک، مانورهای نظامی، قبض و بسط روابط کنسولی و دیپلماتیک و امثال آنها از جمله علامتهایی است که هر دولت از طریق آنها پیامهای مشخصی برای دیگر دولت‌ها می‌فرستد. به اعتقاد جرویس «علامتها که به طور عمده به منظور تأثیر گذاردن بر برداشت گیرنده از فرستنده ایجاد می‌شود بخش عمده‌ای از روابط بین الملل را تشکیل می‌دهد»^۴ در مقابل، «شاخصها اظهارات یا عملکردهایی است که از درون خود بر صدق وجهه عرضه شده گواهی می‌دهد زیرا به طور انفکاک ناپذیری به تواناییها و خواسته‌های یک بازیگر مرتبط است.»^۵ اظهارات و اقداماتی که در حد «شاخص» تلقی می‌شود نوعاً آنقدر مهم است که با ملاحظه تواناییهای یک دولت، احتمال فریب در آنها اندک است.^۶

شاخصها می‌تواند نمونه‌هایی از قبیل اقدامات حاد سیاسی و اقتصادی و نظامی تا ارسال پیامهای مخفی و آشکار را شامل شود. هر یک از طرفین می‌داند که علامتها و شاخصها همان گونه که ممکن است واقع نما باشد می‌تواند فریبنده باشد و هر یک نیز، آثار و عواقب خاص خود را دارد. البته آثار و پیامدهای علامتها و شاخصهای فریبنده معمولاً تا زمان آشکار شدن قریب به تعویق می‌افتد. جرویس نظریه منطق انگاره‌ها در روابط بین الملل را اساساً یک «تئوری فریب» می‌داند و می‌کوشد طی یک تحلیل نظری به یافته‌ها و شواهد پراکنده تاریخی در این زمینه تعمیم مفهومی دهد.^۸ با این حال، اگر چه علامتها و شاخصها به خودی خود گویای تعهد و التزام فرستندگان پیام نیست اما صحت و سقم آنها در میان مدت و درازمدت از عوامل سازنده حسن شهرت یا سوء شهرت یک دولت تلقی می‌شود و در مجموع وجهه بین المللی آن را شکل می‌دهد. موارد بسیاری می‌توان یافت که برنامه‌ریزیهای پیچیده و سرمایه‌گذاریهای هنگفت و تلاشهای پیگیر، در نبود یک وجهه مثبت، از نیل به یک هدف سیاسی مطلوب ناکام مانده است. همچنین مصادیق فراوانی می‌توان یافت که چهره‌ای موجه و متین، یک دولت را از صرف هزینه‌های اقتصادی کلان و تجهیز یا کاربرد نیروی نظامی بی‌نیاز ساخته و سرمایه و هزینه لازم برای نیل به هدف را به حداقل کاهش داده است.

بحث پیرامون کارکرد و کاربرد وجهه بین المللی را در اینجا با ذکر دو نکته به پایان می‌بریم:

نخست اینکه نقش و تأثیر وجهه بین المللی هر حکومت و دولت در روابطش با دیگران از نقش و تأثیر دیگر توانمندیهای سیاسی، اقتصادی و نظامی آن کمتر نیست. مضافاً اینکه شرط لازم موفقیت در کاربرد توانمندیهای مختلف یک دولت برای تحقق بخشیدن به اهداف

برای انزوگرایی و تکروی باقی نگذاشته است. ارتباطات دیگر نه بعنوان ابزار که به مثابه منبع قدرت مطرح است. هر قدر گستره ارتباطات منسجم و مستمر یک دولت با دیگران فراختر باشد، به همان میزان قدرت تأثیرگذاری آن بر مسائل بین المللی بیشتر و آسیب پذیری آن از محیط کمتر خواهد بود. فن آوری شگفت آور سالهای اخیر در زمینه ابزارهای ارتباطی نیز مقوله ای است که بهره وری از آن اینک به صورت یک ضرورت مدیریتی درآمده است.

ب) ساختار و ویژگیهای نظام سیاسی

ساختار توزیع قدرت و شبکه روابط بین افراد و نهادهای تصمیم گیرنده در درون نظام سیاسی هر کشور، پشتوانه وجهه بین المللی آن است. وجهه حکومتی که مشروعیت خود را از نهادهای برخاسته از وفاق اجتماعی می گیرند، در مقایسه با حکومتی که منشأ و زیربنای مشروعیت نظام سیاسی آنها زور و تحمیل دستگاه حاکم باشد نزد افکار عمومی و در چشم دولتهای دیگر اساساً متفاوت است. چنانچه اقتدار حکومت در عرصه داخلی متکی بر آراء مردم و نهادهای مشروع و قانونمند باشد، ثبات سیاسی حاصل از آن در وجهه بین المللی منعکس می شود و کارآیی و کارکرد آن را تقویت می کند. ولی اگر منشأ اقتدار و مشروعیت نظام و به تبع آن شبکه توزیع قدرت و تصمیم گیری در کشوری متکی بر آراء مستبدانه و زورمدارانه فرد یا طبقه حاکم یا گروههای نفوذ باشد، وجهه بین المللی آن نظام، شکننده و غیر قابل اعتماد خواهد بود.

یکی از ویژگیهای کشورهای که دارای وجهه مثبت بین المللی هستند، اتکای نظام سیاسی آنها به آرای مردم است که در شکل دموکراتیک خود به صورت رأی گیری و همه پرسی و انتخابات انجام می گیرد. تکیه نظام سیاسی کشور به آرای مردم نه تنها ضامن ثبات سیاسی و نشانگر استحکام قانونی آن است بلکه در تعیین اولویتهای سیاست خارجی و خط مشی حکومت در عرصه بین المللی نیز در ردیف «شاخصها» محسوب می شود؛ بدین معنا که، طبق تعریف جرویس، «ذاتاً گواه بر صدق وجهه بین المللی آن دولت است و به طور انفکاک ناپذیری به تواناییها و خواسته های آن مرتبط می باشد.» بازیگران بین المللی نیز در ارزیابی خود از وجهه ملی یک کشور به این باور می رسند که برای حکومتها بهای تخلف از اراده ملی که بطور قانونی و علنی ابراز شده بیشتر و سنگین تر از آن است که بخواهند سیاستی را برخلاف آن طراحی و تعقیب نمایند.

وجهه بین المللی هر دولت، از زاویه دیگری نیز از ساختار سیاسی آن مستقیماً اثر می پذیرد. تصمیم گیرندگان و کارگزاران دستگاه دیپلماسی دولت و بویژه وزارت امور خارجه آن در درک و تفسیر وجهه دیگران و شکل دادن به وجهه بین المللی کشور نقش اول را ایفا می کنند. تعیین اولویتهای، اتخاذ شیوه ها و به اجرا گذاردن سیاست خارجی، در عمل توسط متصدیان وزارت خارجه کشور انجام می شود و دیدگاهها و نگرش رهبران در عمل کارگزاران ترجمه می شود. در این فرآیند پیچیده که به هر روی نیاز از یک اندیشه و برنامه منسجم (اگر نه

○ توانمندی بالقوه و بالفعل هر چند برای تثبیت یک وجهه قوی لازم است، اما به تنهایی کافی نیست؛ نمایاندن این توانمندی نیز اهمیت بسیار دارد. در این زمینه، درک ابعاد فرهنگی، سیاسی و فنی پدیده ارتباطات در مفهوم مدرن آن و تغذیه ساختار تصمیم گیری دولت با آن، بسی کارساز است.

○ ساختار توزیع قدرت و شبکه روابط بین افراد و نهادهای تصمیم گیرنده در درون نظام سیاسی هر کشور، پشتوانه وجهه بین المللی آن است. وجهه حکومتی که مشروعیت خود را از نهادهای برخاسته از وفاق اجتماعی می گیرند، در مقایسه با حکومتی که منشأ و زیربنای مشروعیت نظام سیاسی آنها زور و تحمیل دستگاه حاکم باشد، نزد افکار عمومی و در چشم دولتهای دیگر اساساً متفاوت است.

○ یکی از ویژگیهای کشورهای که در عرصه بین المللی دارای وجهه مثبت هستند، اتکای نظام سیاسی آنها به آراء مردم است که در شکل دموکراتیک به صورت رأی گیری و همه پرسی و انتخابات آزاد ظاهر می شود.

ظرفیت تجاری، توان تولید اقتصادی، کیفیت جمعیت به لحاظ توان علمی و مهارتهای فنی، مهمترین شاخصهای ترسیم وجهه بین المللی هر کشور را تشکیل می دهد. پر واضح است که هر قدر این توانمندی به مرحله بهره برداری نزدیکتر شود و فعلیت یابد، به همان اندازه در تقویت وجهه آن کشور اثر مثبت خواهد داشت. تواناییهایی که در اختیار هر دولت قرار دارد در بسیاری موارد علامت صداقت و جدیت آن در تعقیب دیدگاهها و اهدافش تلقی می شود. توانمندی در انجام سیاستهای اعلام شده چنانچه با روشهای سنجیده و منسجم اجرایی همراه باشد، موجب کسب اعتبار تصمیم گیرندگان و مجریان حکومتی می شود و کارکرد و کاربرد وجهه آنان را تقویت می کند. در مقابل، عدم تناسب بین اظهارات و توانمندیها یا اغراق در ارزیابی توان بالفعل از سوی تصمیم گیرندگان، شکاف بین چهره واقعی و چهره مزعوم را افزایش می دهد و از اعتبار و کارآیی وجهه یک دولت می کاهد.

توانمندی بالقوه و بالفعل هر چند برای تثبیت وجهه ای قوی لازم است اما به تنهایی کافی نیست. گذشته از داشتن توانایی، نمایاندن آن نیز اهمیت بسیار دارد. آنچه امروزه در این زمینه اهمیت فوق العاده دارد، درک ابعاد فرهنگی، سیاسی و فنی پدیده ارتباطات در مفهوم مدرن آن و تغذیه ساختار تصمیم گیری دولت با آن است. از بُعد فرهنگی و سیاسی باید دانست که پیچیدگیها و مقتضیات جهان امروز توجیهی

۳. مؤلفه‌های اصلی وجهه بین‌المللی ایران و آثار انتخابات اخیر بر آن

الف) انتخابات اخیر ریاست جمهوری فرصت بسیار مناسبی برای ترمیم و تقویت وجهه بین‌المللی ایران در راستای هر سه مؤلفه آن فراهم آورده است. کشور ما به لحاظ تواناییهای بالقوه و بالفعل از جمله منابع انرژی چون نفت و گاز، منابع معدنی نظیر مس و آهن، موقعیت ممتاز جغرافیایی و دسترسی به آبهای گرم، توان تولید اقتصادی و ظرفیت تجاری، نیروی انسانی ماهر و مهارت‌های فنی، بدون تردید در خاورمیانه در جایگاهی ممتاز قرار دارد. بدین ترتیب، تا آنجا که به مواهب طبیعی و ویژگیهای جغرافیایی و تواناییهای بالقوه مربوط می‌شود، ایران در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی از وجهه‌ای مثبت و جذاب برخوردار است.

لکن چنان که پیشتر گفته شد، توان بالقوه و ثروت ملی هنگامی به تقویت کارکرد و کاربرد وجهه بین‌المللی يك کشور منجر می‌شود که روند فعلیت بخشیدن به توانمندیها بهینه و نهادینه شود. کسب وجهه مؤثر و کارآمد برای يك دولت منوط به آنست که دولتها و نهادهای دیگر بین‌المللی با ملاحظه واقعیات به این باور برسند که سیاستهای کلان آن بویژه در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی بر رویه‌های منسجم و مستمر تکیه دارد و روند سازندگی که همان فعلیت بخشیدن به نیروهای بالقوه است، به درجه‌ای از ثبات و سامان یافتگی رسیده که آن را قابل اعتماد و استناد ساخته است.

ایران کشور غنی و توانایی است که اینک با تکیه بر تجربه خودکفایی و حدود يك دهه سازندگی مستمر توانسته است زیربنای مطلوبی برای به فعلیت رساندن تواناییهای خود ایجاد نماید. زیربنای صنعت کشور نیز طی دهه اخیر رشد قابل ملاحظه‌ای داشته است. بسیاری از طرحهای صنعتی برای تولید انرژی برق و مهار آبهای سرگردان به ثمر رسیده و ایران را به يك کشور صادرکننده برق در منطقه تبدیل کرده است. رشد شاخصهای کلان اقتصادی نیز در ایران آهنگی فزاینده دارد. اهتمام به امر صادرات غیرنفتی و جذب سرمایه‌گذارهای کلان طی سالهای اخیر سیر صعودی داشته است. به لحاظ توان نظامی نیز ایران با پشت سر گذاردن يك جنگ هشت ساله تحت محاصره اقتصادی آبدیده شده و گامهای بسیاری در جهت تقویت توان رزمی خود برداشته است.

فراتر از تواناییهای مادی، کشور ما بر تاریخی کهن و فرهنگی غنی تکیه دارد که جلوه‌های انسانی و سازنده آن در عرصه اندیشه و هنر، چهره يك کشور اصیل و ممتاز را برای آن به ارمغان آورده است. خاستگاه انقلاب ما در حقیقت پیوند و خدمات دیرینه متقابل بین اسلام و ایران بود. انقلاب اسلامی ایران پیام‌آور قرائت جدیدی از تعالیم سیاسی و اجتماعی اسلام است که پیروان دین مبین را توأمان به تلاش و کوشش در جهت رهایی از وابستگیهای درون و بیرون فرا می‌خواند. بعد سلبی انقلاب که اندیشه‌های سیاسی معاصر و نظامهای مبتنی بر

مدون) نیست، میزان واقع‌بینی و عینیت‌گرایی تصمیم‌گیرندگان و برنامه‌ریزان مستقیماً در دستور کار وزارت خارجه انعکاس می‌یابد. میزان آگاهی پیرامونی و توانمندی حرفه‌ای در ساختار تصمیم‌گیری وزارت خارجه نیز در قالب درجه موفقیت سیاستها نمود می‌یابد و در درجه اول بر وجهه بین‌المللی آن دولت اثر می‌گذارد. دستگاه سیاست خارجی يك دولت زمانی می‌تواند در عرصه بین‌المللی قدرت ابتکار داشته باشد و در مسیر حوادث کارساز افتد که رهبران آن با تکیه بر بدنه قوی کارشناسی توجه و نیروی خود را به جای اصطکاک با دیوانسالاری، مصروف حل مشکلات عینی پیش‌رو نمایند.^{۱۱}

ج) دیدگاهها و شیوه‌های تبیین اهداف

درک و تفسیری که بنیانگذاران و کارگزاران يك نظام سیاسی از نظم بین‌المللی و روابط قدرت در آن دارند، در تعریف رسالت و هدفی که آن نظام برای خود قائل است انعکاس می‌یابد.^{۱۱} سیاستهای کلان، استراتژی ملی و دکترین‌های سیاسی دولتمردان هر کشور تابعی از این دو امر است. جهان‌بینی و دیدگاههای سیاسی و ایدئولوژیک هر دولت بر تصویری که از دیگران دارد و دیگران از آن دارند بطور مستقیم اثر دارد. تصویری که متصدیان امور و کارگزاران رسمی و سیاسی هر دولت از اصول خط‌مشی خود ارائه می‌دهند و شیوه‌هایی که برای اجرای منویات خود به کار می‌گیرند، چارچوب اصلی وجهه بین‌المللی آن دولت را شکل می‌دهد. تبیین دیدگاهها و مواضع يك حکومت از زبان سخنگویان رسمی و حتی غیررسمی آن را بر حسب اهمیت و حساسیت موضوع برای دیگران و بسته به لحن و شیوه اعلان آن می‌توان در ردیف علامتها یا شاخصهای رفتار در سیاستهای خارجی يك دولت طبقه‌بندی کرد.^{۱۲}

امروزه که شبکه‌های ارتباطی و خبرگزاریهای فعال تقریباً همه رویدادها را در معرض سمع و نظر مردم در اقصی نقاط جهان قرار می‌دهند، کمتر اظهار نظر و تفسیر و گفته‌ای است که مورد ملاحظه افراد و گروههای ذینفع یا ذیعلاقه قرار نگیرد یا از نقد و بررسی کارشناسان بی‌نصیب بماند. با گسترش امکانات و وسایل اطلاع‌رسانی در جهان و نیز نزدیکتر و پیچیده‌تر شدن مسایل داخلی و بین‌المللی، بخش قابل توجهی از اظهارات کارگزاران هر دولت جنبه فرامرزی می‌یابد و آثار و پیامدهای بیانات آنان خواه ناخواه در معرض اطلاع دیگران قرار می‌گیرد. تصمیم‌گیرندگان سیاسی هر کشور نیز از وسایل و امکانات خبرسازی و اطلاع‌رسانی داخلی و بین‌المللی بهره می‌جویند و از آنها برای رساندن پیامهای خود استفاده می‌کنند. مهارت در استفاده بهینه و به موقع از وسایط ارتباط جمعی برای ارائه دیدگاهها و موضعگیریها، تأثیر بسیاری در شکل‌گیری وجهه هر دولت نزد افکار عمومی جهان و دولتمردان کشورهای دیگر دارد. مجموعه جهت‌گیریها و اظهار نظرهای مسئولان يك کشور، که علی‌الاصول محصول باورهای مشترك و اهداف معین و هماهنگی در سیاستگذاری و سیاستگزاری دولتمردان تلقی می‌شود، تصویری در اذهان دیگران پدید می‌آورد که در قضاوتها و روابط آنها اثر می‌گذارد و نحوه عکس‌العمل آنان را تعیین می‌کند.

خارجی نیز اثر مستقیم خواهد داشت زیرا خط مشی حکومت در عرصه بین المللی بازتابی از اراده ملی است که بهای تخلف از آن می تواند بسیار سنگین باشد.

ج) انتخاب حجة الاسلام خاتمی در دیدگاهها و شیوه های تبیین اهداف که مؤلفه دیگر وجهه بین المللی است نیز اثر گذاشته و خواهد گذاشت. البته موفقیت در این امر در گرو درک صحیح از کارکرد و کاربرد وجهه بین المللی و بها دادن به آن است. جمهوری اسلامی ایران که از بطن يك انقلاب مستقل مردمی و مذهبی تولد یافت از بدو تأسیس همواره با يك معضل دوسویه در ترسیم وجهه بین المللی خود روبرو بوده است. از یکسو دشمنان داخلی و خارجی با تبلیغات سوء و مخرب کوشیده اند چهره آن را مشوه نمایند، و از سوی دیگر به مقتضای تلاطم خاص اوان دوران انقلاب، برخی دیدگاهها، شیوه ها و اقدامات که بدون درک واقع بینانه از اوضاع بین المللی و بعضاً با بی اعتنایی به کاربرد و کارکرد وجهه بین المللی مطرح گردیده زمینه های تشدید وجهه منفی بین المللی ایران را فراهم آورده و پیامدهای نامطلوب بسیاری برای کشور به دنبال داشته است. برای شناخت، ارزیابی، ترمیم و بهینه سازی وجهه بین المللی ایران، پرداختن به ریشه ها، علل و عوامل این معضل از هر دو جنبه آن ضرورت دارد.

در حالی که رقابت شدید سیاسی، تنش ایدئولوژیک و رویارویی تسلیحاتی دو بلوک غرب و شرق بر فضای بین المللی سایه افکنده و جهان به مناطق تحت سلطه و نفوذ ابرقدرتها مبدل شده بود، وقوع يك انقلاب تمام عیار سیاسی در حوزه نفوذ یکی بدون وابستگی به دیگری، پدیده ای بی نظیر بود. ایالات متحده آمریکا که منطقه نفوذ و پایگاه استراتژیکی مهمی را از دست داده بود، برای مهار کردن انقلاب پیش گیری از الگو قرار گرفتن آن در کشورهای مسلمان همسایه جنگ فرسایشی گسترده ای را بر جمهوری اسلامی تحمیل کرد. این جنگ فرسایشی که با مساعدت حکومت های عربی همجوار ایران دامن زده شد و با حمله عراق به ایران بعد نظامی به خود گرفت، در وهله اول در پی تخریب وجهه بین المللی ایران بود. در این راستا سه شاخص و ویژگی مهم انقلاب یعنی استقلال، مردمی بودن و مذهبی بودن آن آماج تبلیغات دشمنان قرار گرفت. جمهوری اسلامی ایران به توسعه طلبی، ماجراجویی، توطئه گری و توسل به خشونت در سیاست خارجی و تعصب مذهبی در سیاست داخلی متهم شد. اتکاء بر آرای مردم که با وجود فشار جنگ تحمیلی روند انقلابی را به تدریج به نهادهای پایدار سیاسی تبدیل می کرد نادیده گرفته می شد تا انگیزه ای برای پیروی در مردم کشورهای همسایه ایجاد نشود. اصرار بر اصول مذهبی نیز با غرض ورزی به صورت افراط گرایی و ارتجاع پسندی تصویر می گردید و کاستیها بزرگ و توانمندیها کوچک نمایانده می شد تا الگوی دولت اسلامی امیدی در دل دیگر مسلمانان نیفزود.

استقامت رهبران و مردم ایران در برابر انبوه فشارهای داخلی و خارجی ناشی از جنگ و پایمردی سربازان آن در نبردی نابرابر، وجهه ای با اراده و مصمم از ایران در اذهان ایجاد کرد. فداکاری عظیم

آنها را نفی می کند همواره برای اثبات و ایجاد يك نظام فکری و يك ساختار سیاسی و حکومتی در تلاش بوده است که اهداف آن دائرمدار آزادی و کرامت انسانی و عدالت اجتماعی در سایه تعالیم دینی باشد.^{۱۳} مجموعه این توانمندیها، دستمایه بسیار ذیقیمتی برای کسب وجهه بهتر بین المللی در اختیار دولتمردان ایران قرار داده است. تأثیر نتیجه انتخاب حجة الاسلام خاتمی به ریاست جمهوری بر مؤلفه نخست وجهه بین المللی ایران از آن جهت است که نظرات ایشان در خصوص قانونمند کردن امور جامعه و بهره گیری از نیروهای جوان و کاردان در مدیریت کشور را به رأی قاطع مردم مستند ساخته است. امید می رود که این جهت گیری تعیین کننده ملت در سیاستهای کلان برنامه ریزی و اجرایی دولت ترجمه شود و به روند سازندگی تداوم بخشد. چنانچه بپذیریم که توانمندیهای يك کشور یکی از پایه های اساسی وجهه بین المللی آنست، باید اذعان کنیم که چالش پیش روی ما به فعلیت رساندن هر چه بیشتر توانمندیها و استفاده بهینه از آنهاست؛ چالشی که در سایه وفاق ملی ناشی از انتخابات اخیر چشم انداز روشنی پیش رو دارد.

ب) هفتمین انتخابات ریاست جمهوری در ایران از نظر ساختار و ویژگیهای نظام سیاسی نیز آثار بسیار مثبتی برای وجهه بین المللی ایران به ارمغان آورده است. شرکت حدود سی میلیون شهروند ایرانی که ۸۰٪ از افراد واجد شرایط رأی دادن را تشکیل می داد، برای دوستان ایران موجب امید و افتخار و برای دشمنان آن مایه یأس و دلسردهی شد. چنین حجم وسیعی از مشارکت مردم در تعیین سرنوشت سیاسی خود نه تنها در نظامهای متکی بر انقلاب که در دموکراسیهای غربی نیز بی سابقه است. آخرین انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا تنها از مشارکت ۴۹/۸٪ از واجدین شرایط برخوردار بود.^{۱۴} در کشورهای همسایه و همپراز ایران نظیر عربستان و دیگر کشورهای حاشیه خلیج فارس و پاکستان و مصر و سوریه و عراق، اساساً یا انتخاباتی صورت نمی گیرد یا میزان مشارکت مردم در آن بسیار نازل است.

مشارکت وسیع مردمی در انتخابات در درجه اول، استحکام ساختار سیاسی کشور و اتکاء آن بر آراء عمومی را به صورت يك «شاخص» گویا از توانمندی نظام به نمایش گذارد. قانون اساسی، که سند وفاق ملی ماست، ساختار حکومتی را در نظام جمهوری اسلامی بر توزیع قدرت و تفکیک قوا مبتنی ساخته است. اگر چه هنوز تا تحقق همه آرمانهای مندرج در قانون اساسی راه درازی در پیش است اما مشروعیت یافتن و قانونمند شدن مبانی نظام با تکیه بر وفاق ملی، شاخص استحکام و ثبات ساختار مبتنی بر آن محسوب می شود و در ترسیم وجهه بین المللی ایران آثار مثبت فراوان دارد. چنین پشتوانه نیرومند سیاسی افق امیدبخشی برای تحکیم ثبات داخلی و مآلاً تعمیم آن به ثبات و انسجام در روابط خارجی گشوده است. رئیس جمهوری که با طرح دیدگاهها و اندیشه هایش حمایت مستقیم بیست میلیون رأی دهنده را کسب نموده از توان و امکانات وسیعی برای ترسیم وجهه مطلوب بین المللی برخوردار است. این ویژگی در تعیین جهت گیریها و اولویتهای سیاست

جانی و مالی مردم ایران در این جنگ شاخص توان ملی و نمایانگر عزم رهبران آن برای پذیرش خطرات در مسیر نیل به اهدافشان بود. این عزم و توان در تخصیص منابع کشور به امر جنگ و بسیج نیروهای انسانی و مالی در جهت دفع تجاوز دشمن نمود یافت.

با شکل‌گیری جبهه مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی در لبنان و نضج گرفتن انتفاضه در سرزمینهای اشغال شده فلسطین و دیگر جنبشهای اسلام‌خواهانه در برخی کشورهای اسلامی که به لحاظ آرمانی ملهم از انقلاب اسلامی ایران و برخوردار از حمایت‌های اصولی رهبران آن بود، موج تبلیغاتی دیگری در جهت تخریب وجهه بین‌المللی ایران از جانب دشمنان بویژه اسرائیل برپا شد. این رژیم که امنیت و ثبات منطقه‌ای در روابط استراتژیک خود با کشورهای همسایه را ضروری می‌یافت و برای رهایی از تنگناهای اقتصادی درصدد تشنج‌زدایی سیاسی و گسترش روابط تجاری با آنها بود، با استفاده از گروه‌های نفوذ در آمریکا و برخی کشورهای اروپایی ناتوانی خود برای رسیدن به سازش با فلسطینیان دولتهای همجوار خود را با ملامت ایران به خاطر دخالت در این روند توجیه نمود. همپیمانان این رژیم با شگردهای سیاسی کوشیدند وجهه ایران را در افکار عمومی جهان با تروریسم، نقض حقوق بشر و تلاش برای دستیابی به سلاحهای کشتار جمعی قرین نمایند.

جمهوری اسلامی ایران در تکاپوی مبارزه با تبلیغات سوء خارجی، دست به تلاش پیگیری زده است. سیاست خارجی ایران که بر سه اصل: عزت، حکمت، و مصلحت مبتنی است در موارد بسیار کوشیده است در مواجهه با مسائل بین‌المللی مواضع صریحی اتخاذ نماید. در راستای گسترش روابط خارجی، دولت ایران توانسته است با طیف وسیعی از کشورهای مهم جهان در اروپا و آسیا روابط سیاسی و تجاری برقرار نماید. هرچند روابط ایران با برخی دولتهای اروپایی در مقاطعی با بحران مواجه بوده، لکن موضعگیریهای ایران وجهه‌ای آمیخته از پایداری در راه حفظ غرور و عزت ملی و انعطاف‌پذیری عملگرایانه به دنبال داشته است. در نتیجه این تکاپو و فعالیت، سیاستهای خصمانه آمریکا که در جهت اخلاص در روابط سالم ایران با دیگر کشورها پی‌ریزی شده بطور عمده ناکام مانده است.

با وجود محکوم کردن تجاوز عراق به کویت در سال ۱۹۹۰ و اتخاذ موضع بیطرفانه در قبال عملیات نظامی نیروهای متحد به رهبری آمریکا بر ضد عراق، دولت کلینتون براساس آنچه در سیاست منطقه‌ای خود «مهار دوگانه» (Dual Containment) نامید، ایران و عراق را بدون درک صحیح از واقعیات سیاسی و متأثر از گروه‌های فشار طرفدار اسرائیل در آمریکا بطور یکسان در معرض یک سلسله اقدامات خصمانه قرارداد. هدف اصلی این سیاست منزوی کردن این دو دولت در عرصه بین‌المللی و تضعیف پایه‌های ارتباطی آنها با دیگران بود. تا آنجا که به ایران مربوط می‌شود، آموزه مهار دوگانه در رأس برنامه‌های خود یک جنگ تبلیغاتی را با هدف تشویه وجهه ایران و معرفی آن بعنوان یک دولت قانون‌شکن، واپسگرا، و غیر قابل اعتماد دامن زد. این جهت‌گیری تبلیغاتی بدون تردید با بازاریابی برای فروش اسلحه

به کشورهای حاشیه خلیج فارس نیز مرتبط بوده است. دکترین مهار دوگانه نه تنها در محتوای خود دچار ناسازگاری پایه‌های فکری و برداشتهای غیرواقع‌بینانه سیاسی است،^{۱۵} بلکه در ماهیت خود نوعی برخورد واکنشی و منفعلانه در برابر رشد و پیشرفت جمهوری اسلامی در زمینه‌هایی است که آمریکا و اسرائیل آن را برای خود خطرناک می‌بینند.

چنانچه به نتیجه و آثار انتخابات اخیر، به صورت یک چرخه ارتباطی نگاه کنیم، پیروزی حجة الاسلام خاتمی برای جامعه بین‌المللی یک پیام سیاسی با ضمانت عزم ملی تلقی می‌شود. برگزاری انتخابات به صورت آزاد و قانونمند و احترام به نتایج آن برخلاف میل گروه‌های مخالف، «شاخص واقع‌نمایی» بود که بسیار فراتر و گویاتر از صدها بیانیه و اعلامیه و سخنرانی در تصحیح برداشت دیگران از جمهوری اسلامی ایران آثار مثبت دربر داشت. صحت و صدق پایبندی ساختار سیاسی کشور به آثار و نتایج انتخابات، جایی برای احتمال فریبنده بودن پیام آن در عرصه بین‌المللی باقی نگذاشت و بدین ترتیب از تأثیر تبلیغات نادرست دشمنان که ایران را یک کشور تحت استبداد و بسته معرفی می‌کنند و می‌کوشند نقض حقوق بشر و تبعیضات اجتماعی را با وجهه بین‌المللی ایران قرین سازند، کاست. بدین سان منطقی است اگر انتظار رود که دولتها و نهادهای بین‌المللی با دریافت این پیام، برداشت خود را از ایران تغییر دهند یا تصحیح کنند.

گرچه موضوعات مطرح در مبارزات انتخاباتی بطور عمده ناظر بر مسائل داخلی کشور بوده، اما بیانات و نظرات آقای خاتمی در خصوص مسائل بین‌المللی نیز راهبردهای تازه مطرح ساخته و آثار مثبتی برای وجهه بین‌المللی ایران به دنبال خواهد داشت. هنگامی که این پیام در نگاه دیگران از سطح «علامت» فراتر رود و در ردیف «شاخص»های رفتار سیاسی ایران تلقی شود، کشور ما خواهد توانست بیش از پیش روی کاربرد و کارایی وجهه بین‌المللی خود حساب کند. اندیشه و دیدگاه و رتوس برنامه‌های حجة الاسلام خاتمی که اینک «به صورت یک پیمان مؤکد بین ایشان و ملت ایران»^{۱۶} درآمد، بطور مشخص بر قانونمند شدن امور جامعه و بهره‌گیری از اندیشه‌ها و راهبردها و نیروهای با کفایت در جهت توسعه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تأکید دارد. قانون‌مداری و کردانی مدیران کشور در صورت تحقق طبعاً در امر سیاست خارجی نیز بازتاب خواهد یافت و به وجهه بین‌المللی ایران ثبات بیشتری خواهد بخشید.

در عرصه بین‌المللی واکنش اکثر دولتهای جهان نسبت به انتخاب حجة الاسلام خاتمی به ریاست جمهوری بسیار مثبت بوده است. بیشتر دولتها از انتخاب ایشان استقبال و آن را «علامت» مثبتی برای گسترش روابط و مناسبات سیاسی تلقی کرده‌اند. خبرگزاریهای جهانی و رسانه‌های بین‌المللی نیز با پوشش وسیعی که به امر انتخابات در ایران و نتیجه آن دادند، بویژه در اروپا، آمریکا و کشورهای عربی توجه افکار عمومی را به تحولات مربوطه جلب کردند. از این توجه و استقبال بایستی بهره جست و با عرضه دیدگاهها، باورها، تواناییها، انتظارات و اهداف خود برای دیگران بر برداشت آنها تأثیر گذارد.

رسمی و غیررسمی آنان فراهم می‌سازد چنین سفری قطعاً با پوشش خبری خبرگزاری‌های بین‌المللی و انجام مصاحبه و گفتگو نیز همراه خواهد بود و ابزارها و شیوه‌های متنوعی را در خدمت تبیین مواضع و دیدگاه‌های جمهوری اسلامی قرار خواهد داد.

بهره‌گیری از این فرصت و فرصت‌های مشابه به رهبران ما امکان خواهد داد تا با زبان و بیان خویش در جهت پر کردن شکاف میان «چهره واقعی» و «چهره مزعوم» جمهوری اسلامی پیش روند و تصویری را که دیگران از ما دارند تصحیح کنند و شفافتر سازند. این تجربه همچنین می‌تواند درک و برداشت بی‌واسطه و نزدیکی از فضای بین‌المللی، دستکم در محافل دیپلماتیک، در اختیار رئیس‌جمهور قرار دهد. دولت ما مانند هر دولت دیگری برای کسب «وجه مطلوب» ناگزیر باید بکوشد که برداشت دیگران را از موقعیت و رفتار خود بیازماید و در صورت لزوم برای تغییر آن اقدام نماید. در این صورت نقشه دشمنان برای تحمیل انزوای بین‌المللی بر جمهوری اسلامی ایران و ترسیم وجه‌های غیرواقعی از آن نقش برآب خواهد شد.

۴. يك پیشنهاد عملی

چنان‌که در بحث نظری اشاره رفت، بهره‌گیری بهینه و سنجیده از فرهنگ و ابزار ارتباطات در ترسیم وجه بین‌المللی هر کشور نقش بارزی دارد. گستره توان و کارایی نهادهای سیاسی اعم از دولتی و غیردولتی در دنیای امروز با گستره مرادفات و ارتباطات آنها با محیط پیرامون خود بستگی مستقیم دارد. نشست سالیانه مجمع عمومی سازمان ملل متحد یکی از فرصت‌های بسیار مناسب برای توسعه ارتباطات، مطرح کردن دیدگاه‌ها و ایده‌های جدید پیرامون مسائل مهم بین‌المللی است. حضور رئیس‌جمهور در این نشست که معمولاً با شرکت سران دولتها و رؤسای جمهور و وزرای خارجه کشورهای عضو سازمان ملل متحد برگزار می‌شود، فرصتی برای ایراد يك نطق رسمی در مجمع عمومی فراهم می‌آورد که در جای خود می‌تواند در تقویت وجه بین‌المللی ایران مؤثر باشد. حضور رهبران کشورهای مختلف در مقر سازمان ملل متحد در نیویورک فرصت کم‌نظیری را نیز برای ملاقات‌های

پی‌نوشتها:

قصد دارند با شناخت راهکارهای منطقی انگاره‌ها شیوه‌های بهره‌برداری فریبکارانه از آنها را بیاموزند و از گزند انگاره‌های تحریف شده مصون بمانند. هرچند جرویس از مبانی و مبادی تئوری‌های ارتباطات نیز بهره گرفته است ولی توجه خاص او به کاربرد وجهه بین‌المللی در فریب دیگران معطوف است. برای مطالعه پیرامون انگاره‌ها از دیدگاه تعامل ارتباطی نگاه کنید به:

Erving Coffman, **Strategic Interaction**, (Philadelphia: University of Pennsylvania Press, 1969).

9. Jervis, **Logic of Images**, p. 13.

۱۰. برای مطالعه درخصوص تأثیرات ساختار اداری تصمیم‌گیری در سیاست خارجی نگاه کنید به:

Henry A. Kissinger, **American Foreign Policy**, 3rd ed., (New York: W.W. Norton & Company, 1977), pp. 17-26.

۱۱. چنین درک و برداشتی به نوبه خود متکی بر باورهای نظری تصمیم‌گیرندگان هر دولت و میراث تاریخی و فرهنگی و جغرافیایی هر کشور است که خود بحث جداگانه‌ای می‌طلبد.

12. Jervis, **Logic of Images**, pp. 35-37.

۱۳. اصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اشعار می‌دارد: «جمهوری اسلامی نظامی است برپایه ایمان به... کرامت و ارزش والای انسانی و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا...»

۱۴. این آمار از صفحه اسناد دولت فدرال آمریکا بر روی اینترنت (<http://WWW.fec.gov/pages/96to.htm>) اخذ شده است.

۱۵. برای نمونه نگاه کنید به مقاله سه تن از سیاستمداران و مقامات سابق امنیتی آمریکا که از نارسایی و عدم موفقیت دکترین مهار دوجانبه سخن گفته‌اند:

Zbigniew Brzezinski, Brent Scowcroft and Richard Murphy, «Differentiated Containment», **Foreign Affairs**, May/June 1997.

۱۶. از پیام تلویزیونی حجة الاسلام خاتمی به ملت ایران مورخ ۱۳۷۶/۵/۲۸.

1. Floyd Allport, **Theories of Perception and the Concept of Structure** (New York: Wiley, 1955) p. 382.

2. Thomas Schelling, **Arms and Influence** (New Haven: Yale University Press, 1966), p. 150.

3. Robert Jervis, **The Logic of Images in International Relations** (New York: Columbia University Press, 1989), p. 18-27.

4. *Ibid.*, pp. 18.

۵. کنکاش و تلاش برای درک جنبه‌های مختلف کارکرد و کاربرد برداشتها در سنجش خطر و القای رعب و احتمالات مطرح در تاکتیک‌های متفاوت، بخش قابل توجهی از نظریه‌ها و دکترین‌های نظامی - سیاسی در دوران جنگ سرد همچون دکترین مهار (Containment)، بازدارندگی (Deterrence) و نابودی قطعی دوجانبه (Mutual Assured Destruction) را تشکیل می‌داد، در طراحی و کاربرد استراتژی‌های نظامی توجه به عنصر «وجهه» و «برداشت» دشمن، جایگاه اساسی و مهمی دارد. برای مطالعه نگاه کنید به:

Robert Jervis, **Perception and Misperception in International Politics**, (Princeton: Princeton University Press, 1976); Deborah Welch Larson, **Origins of Containment: A Psychological Explanation** (Princeton: Princeton University Press, 1985); Robert Jervis, Richard Ned Lebow, and Janice Gross Stein, **Psychology and Deterrence** (Baltimore: John Hopkins University Press, 1985).

6. Jervis, **Logic of Images**, p. 18.

7. *Ibid.*, p. 28.

8. *Ibid.*, pp. 10-11.

بنیان نظریه جرویس برپیش‌فرضهای مکتب واقع‌گرایی در روابط بین‌الملل استوار است و روی سخن او بیشتر با سیاستمداران و تحلیلگرانی است که